



يك صحنه از نمايش عروسكي در هند

جاوه و با باحتشال ضعيف تر از چين سرچشمه گرفته است .  
 خيمه شب بازی هندی در دوران طولانی حیات خود تنبیر و تحولی نیافته و همواره به همین صورت کنونی خود بوده است :  
 بلندی عروسک‌های هندی به پنجاه تا هفتاد سانتی متر می‌رسد، سر و قسمت‌های ظاهری عروسک از چوب ساخته شده، بدنه عروسک معمولاً چوبی است اما بقیه اندام و زیورهای آن از پارچه ساخته شده است .

این عروسک‌ها بطریق خاصی بسیار ابتدائی به حرکت در آورده می‌شوند. یک سیم آهنی که سر عروسک را به دامن گرداننده خیمه شب بازی وصل می‌کند وسیله ایجاد حرکت سر می‌باشد. دست‌های عروسک نیز بوسیله دست گرداننده به حرکت در می‌آیند چون معمولاً عروسک‌های هندی پاندارند گرداننده خیمه شب بازی پایای خود ضرب‌هائی «دامن لباس آنها می‌زند که تصور حرکت را در نظر بینندگان ایجاد کند. در خیمه شب بازی هندی دکور بکار برده نمی‌شود و نمایش‌ها در مقابل برده‌ای ساده انجام می‌گیرد .

با وجود این که در سراسر کشور هند از همین نوع عروسک‌ها برای خیمه شب بازی استفاده میشود از نظر موضوع نمایش‌ها خیمه شب بازی هندی دارای دو مکتب مختلف است :  
 در قسمت شمالی هند گردانندگان خیمه شب بازی قسمت‌هایی از تاریخ پادشاهان مقول و ابرای نمایش انتخاب می‌کنند که قهرمان اصلی آنها «اکبر شاه» است . در این نمایش‌ها وضع در بار سلطنتی و تشریفات بار پادشاهان و درباریان دهقانان حضور شاه نشان داده می‌شود و برای جلوگیری از خسته شدن بینندگان رقص و نوا نوازی و مزاج و دلگشا و سایر سرگرمی‌ها مجلس عیش و طرب سلطنتی نیز در نمایش گنجانیده می‌شود .

## خیمه شب بازی در آسیا

عروسک علاوه بر اینکه اسباب بازی کودکان است وسیله اجرای هنر خاصی است که خیمه شب بازی نام دارد .

بشر نخستین در نقاشی‌های خود همواره به ترسیم اشکال حیوانات می‌پرداخت . در آن هنگام از مجسمه سازی هم به منظور ساختن بت استفاده میشد و فقط در ساختن عروسک بود که تقلید از قیافه و هیكل انسان مو. دنظر قرار می‌گرفت .

پیدایش خیمه شب بازی با پیدایش نخستین صناعات تاریخ قریب است : هر دو اشعار خود از نوعی خیمه شب بازی بنام

ترسیت *Terzite* یاد می‌کند، دست *Set-Tse* از نویسنده‌گان چینی که در هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته است از خیمه شب بازی سخن می‌گوید، در مقبره «توت - آن - کامون» *Tout-An-Kamon* از فراتر مصر عروسک‌های مرمرین کشف شده است . مثال‌ها و نمونه‌های فراوان دیگری نیز نشان می‌دهد که خیمه شب بازی از زمان‌های بسیار قدیم در سراسر جهان وجود داشته است .

تقریباً مسلم است که منشأ این هنر از مشرق زمین بوده ولی بطور یقین نمی‌توان معین کرد که آیا این هنر از هند یا



کودکان با علاقه زیاد مردم آمانا هستند



درخیه شب بازی شمال  
هندسمنهائی از جنک پافیلان  
نیز دیده می شود . بلندی چنه  
این فیلان از نصف طول قامت  
انسانی بیش تر نیست .

درخیه شب بازی شمالی  
داستان مشهور لیلی و مجنون  
را نیز نمایش می دهند .

نوع دوم از خیه شب بازی  
هندی نوعی است که در نواسی  
مرکزی هند وجود دارد . معمولاً  
موضوع این خیه شب بازی ها از دو  
حسامه باستانی هند «مها بهارانا»  
و «راما پانا» انتخاب می شود .  
بازیگران هندی شخصاً کلیه  
وسایل کار خود را می سازند .

در باره این که چه کسی  
خیه شب بازی هند را اختراع  
کرده است سخنی نمی توان  
گفت زیرا استاد و مدارکی که  
درین مورد در دست است با  
افسانه آمیخته است . فقط شاید  
پشوان حدس زد که داستان  
«پارواتی» و «شیوا» محرک  
ايجاد خیه شب بازی بوده است

روزی پارواتی Parvati  
همسر شیوا (خدای خدایان)  
عروسک بسیار زیبایی ساخت  
از ترس اینکه عروسک قدرت

نداشته باشد آن را بشوهرش نشان نداد و پنهانی بکوهستان  
رفت و عروسک را مخفی کرد اما شیوا که نتوانست بر کنجنگاری  
خود غالب آید همسر خویش را تعقیب کرد و به محل اختفای  
عروسک پی برد ، و پس از مشاهده عروسک پنهان معجزه  
زیبایی آن گشت که او را جان داد و به حرکت درآورد تا بپایان  
آدمیانش فرستد .

امروزه در هند بعلت پیشرفت و توسعه سریع سینما ،  
هنر خیه شب بازی رویه زوال می رود تقریباً فقط در دهکده  
هاست که هنوز هم نمایش خیه شب بازی رواج دارد با وجود این  
مربیان هندی می کوشند تا فایده های تمدن جدید را بوسیله  
نمایشهای خیه شب بازی ب مردم نشان دهند و همین امر ممکن  
است احیای این هنر کهن را موجب گردد .

در جزیره سیلان هم که روزگاری خیه شب بازی رواج  
بسیار داشته بر اثر توسعه و ترویج سینما امروزه راه زوال گرفته  
است و تنها در یکی از شهرهای این جزیره هنوز هم نمایش های  
خیه شب بازی رواج دارد .

### عروسک هندی

اماد جزایر «جاوه» و «بالی» خیه شب بازی رواج بیشتری  
دارد . عروسک های جاوه ای از عروسک های هندی کامل تر و  
زیباترند . این عروسک ها بجای اینکه به شیوه عروسک های  
هندی از بالا بوسیله نخ حرکت درآیند بوسیله چوب پاتر که  
از زیر صحنه حرکت داده می شوند . محل نمایش معمولاً در هوای  
آزاد است : در مقابل پرده ای از پارچه بطول ده متر و به ارتفاع دو  
متر تخته ای با همان طول ولی با ارتفاع هشتاد سانتی متر قرار می  
دهند . در زیر این تخته استاد خیه شب بازی پنهان می شود و حرکت  
عروسک ها را تنظیم می کند این خیه شب بازی را واپانک  
Wayang می نامند .

واپانک پنج نوع مختلف دارد که مهیترین آن واپانک-  
گولک Wayang golek نام دارد که نمایش آن در غروب آفتاب  
شروع میشود و تا صبح ادامه مییابد . علت اینکه نمایش دو  
شبانگامه اجرا میشود آنست که تنها مردان اجازه دارند  
از جلوی پرده به عروسک بنگرند و زنان در پس پرده روشن  
می نشینند و فقط حرکت سایه ها را نظاره میکنند . معمولاً

مبارزه بدی و خوبی موضوع خیمه شب بازی را تشکیل می دهد .

وایانگ پورا (Wayang puvra) نوعی دیگر از اقسام پنجگانه وایانگ است که در ابتدا در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار میگرفت . گرداننده این نوع از خیمه شب بازی مدعی بود که نیروی آسمانی دارد و میتواند روح مردگان را در کالبد عروسک ها وارد کند .

خیمه شب بازی جاوه بر تمام هنرهای صحنه ای این کشور و مخصوصاً رقص تأثیر شگرفی گذاشته است .

خیمه شب بازی چینی بهیچ وجه باخیمه شب بازیهای معمول در هند و جاوه قرابتی ندارد: عروسکهای این خیمه شب بازی در صورتک هایی مسطح که بر روی پوست کشیده شده تشکیل میدهند .

این صورتکها را در پس پرده روشنی از پوست حرکت میدهند . و بینندگان فقط جنبش سایه عروسک ها را می بینند این عروسک ها بوسیله ترکیه هایی از زیر صحنه به حرکت درمی آیند، برای جنبانیدن آنها یک چوب اصلی به سروچوبهایی نیز سایر اعضای عروسک متصل است. اعضای بدن عروسکهای چینی بوسیله لولا بیکدیگر متصل شده اند .

با وجود این نباید تصور کرد که این عروسکهای مسطح قادر نیستند که احساسات مختلف را در صورت خود ظاهر سازند: صورت این عروسکها طوری ترسیم میشود که اگر آنها را بطور مورب از پرده دور کنند وضع و حالت و صورت آنها تغییر مینماید .



عروسک هندی

هتوز هم این نوع خیمه شب بازی سایه ای در کشور چین رواج دارد .

میگویند که موه Moh امپراطور چینی بازیگر مشهوری را احضار کرد تا برای او و زنان متعددی نمایش هایی ترتیب دهد. بازیگر که از این امر بسیار خوشحال شده بود ساختن عروسک هایی برداشت که به خوبی می توانستند دهان خود را باز کنند و چشمها و دستهای شان را به حرکت در آورند : درست مانند این که باینندگان مشغول صحبت و گفتگو هستند .

عروسکهای چینی که نمایش خود را بینان با مهارت ترتیب داد که همه بندهاشند عروسکهای او جان دارند. امپراطور نیز تصور کرد که بازیگر او را بسخره گرفته و بیغاله یا همسرانش برداشته است، از این رو فرمان قتل بازیگر را صادر کرد . بازیگر بیهوده امان خواست و در نهایت بی گناهی خوبی عروسک ها را قطعه قطعه کرد، تا بچانی آنها را نشان دهد امپراطور که دریافت به عروسکهای ساده ای رشک برده بازیگر را نوازش بسیار کرد .

در چین امروز علاوه بر افسانه های کهن و داستانهای ملی و قدیمی، در تنظیم نمایشنامه خیمه شب بازی از ترجمه آثار نویسندگان بزرگ خارجی نیز استفاده می کنند .

در کشور ترکیه نیز صورت دیگری از این نوع خیمه شب بازی وجود دارد که «قره کر» نامیده میشود .

قهرمان اصلی این خیمه شب بازی های سایه ای عروسکی بنام «قره کر بنا» است که داستان و حشنتا کسی درباره



عروسک هندی

بعد از اینها این نوع از خیمه شب بازی را تقلید کرده و تکمیل آن برداشته: کم کم فقه عروضکها و متناسب با آن جمیع نمایش هم بزرگتر شد بطوریکه دیگر حمل و نقل آن باسانی ممکن نبود و بازی گران مجبور بودند اماطاتک های خیمه شب بازی را بروی زمین قرار دهند. عروضکها بوسیله نسخ حرکت داده میشد.

صحنه گردان نخستین بار در خیمه شب بازی ژاپنی پیدا شد ، در کوره های بسیار عالی این صحنه را تزئین میکرد .

همه این پیشرفت ها در اثر رقابت گروه های مختلف خیمه شب بازی حاصل شد . کم کم خیمه شب بازی جمیع ای بکلی از میان رفت . خیمه شب بازی نوین چنان رونقی یافت که هنر پیشگان تئاتر هم برای تماشا و مطالعه دوچگونگی بازی عروضکها به خیمه شب بازی می رفتند ، سیکمانو (Sigma'su) نمایشنامه نویس بزرگ ژاپن ، با میل فراوان به نوشتن نمایشنامه هایی برای عروضکها پرداخت . علت این امر آن بود که تئاتر ژاپن هنوز صفات مذهبی و معین خود را حفظ کرده بود و عروضکها بهتر میتوانستند حالات انسانی را نشان بدهند .

پس از این خیمه شب بازی دچار رکودی گردید که تا قرن هجدهم بطول انجامید . در سال ۱۸۷۱ مردی با اسم بونراکی (Bounraki) در «ازاکا» یک تئاتر خیمه شب بازی افتتاح کرد .

تیمه شب بازی بونراکی کم کم در سراسر ژاپن رواج یافت و امروزه نیز در زبان ژاپنی کلمه بونراکی مترادف با خیمه شب بازی کلاسیک استعمال میشود .

بیهوده رساله ۲۴



عروضک ایرانی



پلک صحنه از خیمه شب بازی در ایران

چگونگی و پیدایش آن نقل میکند : قره گز با اتفاق یکی از دوستانش بنام «حاسیواد» در ساختن مسجد سلطانی شرکت داشتند . این دو بنا در شیرازی بیان شهرت فراوان داشتند و بهین سبک همیشه کارگران دو کنار آنها می نشستند و بکلمات دو دوست گوش میدادند و از همین سبب ساختمان مسجد سرعت بیش نیفتد . از جریان امر سلطان را خبر داد و کردند . سلطان هم قتل هر دو را دستور داد . پس از اجازت ای حکم ، سلطان از کرده خود نادم و پشیمان شد ؛ زیرا خود او نیز شیفته مکالمات «قره گز» و «حاسیواد» را بسیار دوست میداشت . صدر اعظم که از تکدر خاطر سلطان مطلع شد بیگی از استادان خیمه شب بازی ساختن دو عروضک را دستور داد و سپس کوشش کرد که گفته های دو بنا را از دهان عروضکها تکرار کند . این امر موجب رضایت خاطر سلطان را فراهم آورد .

در نمایش های قره گز و حاسیواد قهرمانان دیگری هم مانند رقاصه و تریاکی وغیره وجود دارند . در این نمایش مأمولا وقایع و گفتگوها همیشه قراوان دارد و اغلب گفتگوها با اینکه از تراکت و ادب بدور است حدود هنری و اخلاقی را در بردارد .

خیمه شب بازی سایه ای «قره گز» از اواخر قرن گذشته رو با انحطاط گذاشت اما امروز همین داستان هارا با موفقیت فراوان در آفریقای شمالی نمایش میدهند .

۵۵۵

چینیان با خیمه شب بازی عروضکی نیز آشنا بودند و عروضکهای خود را از پارچه می ساختند . بازی گسران چینی عروضکهای خود بدون کمک نخ یا چوب به حرکت در می آوردند : «بازی گر جمیع ای بر سر می گذاشت که بجز یک طرف آن که سوراخ بود بقیه قسمت های پارچه ضخیم و سیاهی پوشیده شده بود ، این پارچه سراسر بین بازی گرا نیز از نظر بینندگان مخفی میداشت . عروضکهای پارچه ای در حدود ده سانتی متر طول داشتند و بازی گر با دست خود آن هارا

این مسائل تدریس نمود که اثر آن در پالت فرانسه و در نتیجه در تمام پالت‌های دنیا نمایان است. او در کتاب خود بنام Letters on dancing and Ballet که در سال ۱۷۶۰ منتشر نمود اصول صحیح و اساس فنی باله را برای همیشه بوجود آورد و حرکات و فیکورها را بر روی اصول علمی گذاشت. و در باره امکان چرخ و پرش و نرمش بدن مطالعاتی نموده و تجربیاتی را جمع به حرکاتی که بدن را آماده برای تحمل فیکورهای سخت می‌شود بدست آورد، و در نتیجه قوانینی برای حرکاتی مانند fouettés-entrechats-Pirovettes که بدون کوچکترین تیزی تا با امروز در تمام مدارس باله کلاسیک دنیا بکار برده می‌شود وضع نمود. و همچنین از قدرت مردان و ظرافت و لطافت زنان استفاده کرده و با بکار بردن رقص و به‌مخصوصی، تکنیک بسیار قوی با حرکات موزون دستها و تعادل بدن را ظاهر نموده، بطور کلی تمام این قوانین بر روی اصول پنج‌حالته پامنتکی است. و بعداً هشت حرکت بدن نیز بآن اضافه شد که دو قرن اخیر مورد استفاده قرار گرفت.

بعد از نوور استادان زبردست دیگری مانند فامیل Vestris (که در ابرای پاریس تدریس می‌شودند) - Enrico Cecchetti - Carlo Blasis - Giovanni Lepis پیدا شدند. استادان دست باله تروس Diaghilev دبا گیلف

باله کلاسیک برای اولین مرتبه در قرون بازدهم و شانزدهم میلادی در دربارهای ایتالیا و اسپانیا بوجود آمد. قبل از اینکه اصول فنی و متد باله ظاهر شود رقص بصورت تفریحی و تفتنی در دربارها مانند دربار ملکه ایزابلا Isabella انجام می‌گرفت.

سرواتس (Cervantes) بوجود آورنده « دن کیشوت » در یادداشت‌های خود راجع به رقص با بلاس، (Danzas Babilades) که در مهمانیهای رسمی انجام می‌شد اشاره نموده است. این نوع رقص با تفسیر، شبیه پانتومیم (Pantomime) امروز بوده است. دسته کر Chorus رقص های دسته جمعی را رقصان تنکی Solo dances اصل موضوع را با حرکات نشان می‌دادند و دیگر هنرپیشگان آنها را توسط شعر و آواز تفسیر می‌شودند. غالباً موضوع این نمایشات از افسانه‌های یونانی سرچشمه گرفته و بقول سرواتس پسر از تعریف و تسجید از قدرت و هوشیاری شاه و ملکه بوده‌اند، زیرا بدون کمک و سرپرستی آنها بوجود آوردن این گونه نمایشات بر عراج غیر ممکن بود.

در اواخر قرن شانزدهم بعضی بالتهای مدرن بوجود آمد که در موزیک آنها آواز نیز گنجانیده شده بود؛ آواز خوانان (دسته جمعی) پشت پرده و یا روی صحنه برابست و جلال حرکات می‌افزودند. با وجود این در آن زمان فن هنرپیشگی خیلی بی‌ارزش بود. دلگها، شبنه بازان و هنرپیشگان مانند رقصان پست و بی‌ارزش شمرده می‌شدند. آنها معمولاً در بازارهای مکاره در هوای آزاد نمایش می‌دادند و بعضی از این هنرپیشگان که بیشتر آنها ایتالیایی و اسپانیایی بودند از مرزهای مملکتشان گذشته به اروپای غربی می‌رفتند و بدین وسیله ایتالیایی ها به آواز خوان و اسپانیاییها به کک گستاخ به رقص معروف شدند.

میتوان گفت این قبیل نمایشات با وجود نداشتن جنبه هنری و ظرافت پایه هنر باله امروزه بوده است. مخصوصاً در قرن هفدهم دربار فرانسه این قبیل رقصها را تشویق کرده و رونق بخشید. در زمان لوئی ۱۴ بالتهای بنام «پادشاه غور شین» (Roi Soleil) نوشته شد که خود لوئی ۱۴ در رول غور شین ظاهر گردید. در این زمان بود که بستانور او قصر معظم و رسامی توسط مبار معروف آن زمان لنوتر Lenotre ساخته شد. در همان موقع در فرانسه مدرسه بالتهی تاسیس شد که اصول و متدی برای رقص تنظیم نمود. و بدین وسیله زمینه‌ای برای پیدایش شخصی چون نوور Noverre از هر جهت آماده شد.

ژان ژورژ نوور (1810-1877) Jan georges Noverre در قاص و مطرح معروف فرانسه بود که میتوان او را پدر باله نامید. او بنام ممالک اروپا مسافرت کرده و در مدارس باله



مجموعه مطالعات فرهنگی  
مجموعه علوم انسانی

بی ارزش که فقط وسیله تفریح عده درباری بیش نبود به مقام محقی خود رسانید، متأسفانه از طرح‌های اصلی نوور اثری باقی نمانده است شاید آن بالتهائی که در زمان او نیده دوم قرن نوزدهم وجود داشت فاقد جنبه هنری بوده‌ولی بی شک برای پیشرفت و تکامل هنر بالته قدم مفید و پر ارزش بوده‌اند. بعد از نوور در نمایشات بالته کورولباس بیش از خود زرق و شمع اهمیت میدادند و بدین جهت هنر بالته رو به انحطاط میرفت تا اینکه دباگیلف در سال ۱۹۰۹ کمپانی معروف خود را از روسیه به فرانسه آورد و اهمیت تکنیک و اصول علمی بالته را جالبان ثابت نمود. پس میتوان گفت که رسیدن هنر بالته به مقام شامخ و عالی هنری خود از زمان نیمه اول قرن بیستم بوده و در تمام دنیا علاقمندان فراوانی یافته است.



## گروه بالته سانفرانسیسکو



سالی یلی

علاقه‌مندان رقص و موسیقی در سال ۱۳۳۵ ناظر هنرنمایی دو دسته از هنرمندان بالته بود که گروه بالته سانفرانسیسکو از هر جهت بردسته قبل رجحان داشت این دسته که یکی از قدیمی ترین گروه های بالته آمریکاست بنا بدعوت انجمن «فیلارمونیک» شهر آن آمدند بر نامه جالبی را در تئاتر تهران اجرا نمودند. هنرمندان این گروه که در بین آنها ستارگان هنرمندی دیده میشد بر نامه های متنوع خود را «چه کلاسیک و چه مدرن» بخوبی و مهارت انجام میدادند. برنامه گروه بالته سانفرانسیسکو یکی از برجسته ترین فعالیت های هنری سال ۱۳۳۵ بشمار میرفت امید است انجمن فیلارمونیک در سال آتی دعوت موفق گردد که بدعوت گروه های بین المللی و بزرگ برنامه های با ارزش را بعرض نمایش گذارد

بالوسه با نیر و آقای بالوم هنرمندان مشهور دوره اولی چهاردهم بود و در سن ۷۸ سالگی رقصانی مانند Lifar, Mar ova Massine Dolin تربیت نمود این هنرمندان همان اصول و قوانین بالته را حفظ کرده و در حال حاضر در مسالک مختلف مشغول ترویج و تدریس این هنر به علاقه‌مندان میباشد.

فقط در سال ۱۸۲۶ بود که تکنیک روی نوک پنجه (Pointes) توسط Marie Taglioni که بزرگترین رقاصه فرانسه در آن زمان بود تکمیل شد. و کفش های مخصوصی که چرخیدن را روی نوک پنجه آسانتر میکرد بوجود آمد و رقاصان مرد فقط در کلاس تمرین جهت قوی کردن عضلات با از این نوع کفش ها استفاده میکردند Tutu توتو و یا لباس مخصوصی از تور که در او ایسل پیدایش آن تا بالای مچ پا توسط رقاصان زن (بالوینا) پوشیده میشد و آنها را مانند فرشتگان آسمان محبوب وی آرایش جلوه گر میساخت. این نوع Tutu امروزه فقط برای بالته های کلاسیک بکار برده میشود و در تمام تابلوهائی که دکا Degas راجع به بالته کشیده این نوع Tutu چشم میخورد. این لباس در تمام قرن نوزدهم به همین حال باقی بود زیرا در آن زمان زنان نمیتوانستند لباس کوتاه تری در برنمایند. تا اینکه با مرور زمان از بلندی آن کاسته شد و امروز Tutu دامن برچین کوتاهی است که فقط تا بالای زانورا میباشند، زیرا باین وسیله بالوینا آزادی عمل بیشتری داشت و مخصوصاً در رقص های دو نفری (Pas de deux) بهتر میتواند مهارت خود را نمایان سازد.

با وجود این که صدسال دیگر بطول انجامید تا بالته بصورت امروزی توسط سرژودیاگیلف Serge de Diaghilev در آمد ولی میتوان گفت که «نوور» بالته را از یک مقام

ماری تالیونی در بالته سیلفید

سر آنها از چوب تراشیده شده و موهای ابروان و ریش و سیل آنها از موی طبیعی است. بین عروسکهای مرد و زن تفاوتی وجود دارد:

زنان بانداوند و تنها بدنه آنها از چوب است و بطرز باشکوهی هم لباس پوشیده‌اند.

تفاوت مهم دیگری که خیمه شب بازی ژاپنی با دیگر انواع خیمه شب بازی دارد در طریقه حرکت دادن عروسکهای آنست:

عروسکهای بونراکی بوسیله نخ و سیم حرکت نمیکنند و حرکت دهندگان آنها از نظریتهندگان پنهان نیستند، بازیگران هم در روی صحنه نمایش مینشینند و با دست خود عروسک را حرکت درمی آورند.

معمولاً حرکت هر عروسک را سه نفر اداره می کنند: استاد بازیگران سرو با زوی چپ عروسک را حرکت میدهد و دوشاگرد هم که لباس سیاهی بر تن دارند حرکت قسمتهای دیگر بدن عروسک را اداره میکنند. پوشیدن لباس سیاه علامت آنست که ایشان نامرئی هستند و در صحنه وجود ندارند.

برای اینکه کسی بتواند در ژاپن مقام استاد خیمه شب بازی را بدست آورد باید سی سال شاگردی کند. ده سال از این مدت فقط بافر اگر فن تنظیم حرکت بکاز و اختصاص دارد.

خیمه شب بازی بونراکی بوسیله یک سخن ران توضیح و تفسیر میشود. این توضیحات بانوای موسیقی همراه است. قسمتهایی از آن نیز به آواز خوانده میشود. موضوع خیمه شب بازی ژاپنی نیز همیشه مبارزه خوبی و بدی و پیروزی خوبی بر بدی است.

### خیمه شب بازی در ایران

در باره خیمه شب بازی در ایران

روایاتی هست، عده ای معتقدند که این فن پیش از ده قرن رواج داشته و حتی دستهای تاریخچه آن را قبل از اسلام در زمان خسرو پرویز که هزاران دانشگر و نوازنده بایران آمده‌اند حدس میزنند و میگویند در آن زمان شعبه بازان و خیمه شب بازان هم همسراه آن هیت بایران آمدند.

در هر حال تصور می رود که این فن از هند بایران آمده باشد زیرا اگر به مذهب یاستانی ایرانیان توجه نمائیم متوجه میگردیم که در دین «زرتشت» مردم بر خلاف سایر ملل آسیایی (هندوستان و چین) بت پرست نبوده‌اند و حال اینکه در چین و هند مردم بت میپرستیدند هر خانواده برای خود بت کوچکی (عروسک) داشتند و بیسخت جهت میشود علاقه آنها را به

## خیمه شب بازی در آسیا

په از سنه ۱۰

عروسک و نمایشات عروسکی

بقایای اعتقادات مذهبی بت -

برستان چینی و هندی دانست. و اما آنانکه معتقدند «خیمه شب بازی» در ایران پیش از ده قرن سابقه دارد متکی به اشاراتی هستند که شعرا و نویسندگان ایران باین موضوع نوده‌اند.

مثلاً خیام در یک رباعی میگوید:

هالعبتگانیم و ملک لعبت باز

آز روی حقیقتی نه از روی مجاز

بازیچه همی کنیم بر قطع وجود

افتیم بصدوق عدم بک بک باز

و بازی خیام در رباعی دیگر خود به «فانوس خیال» اشاره کرده و میگوید:

این چرخ و فلک که ماد او جیرا نیم

فانوس خیال ازو مثالی دانیم

خورشید چراغ دان و عالم فانوس

ما چون سویم کانه در گردانبه

و اما بجز این قبیل اشعار و اشارات شعرا استادی از «بود و نبود» خیمه شب بازی قرون گذشته باقی نمانده و مورخ و یا مستشرقی در کتب خود بدان باصراحت اشاره نکرده‌اند. پیش از صد سال است که نمایشات خیمه شب بازی در کشور ما رواج یافته است و چون تقالی در بیست طبقه عامی مردم هواداران یافته است.

محل نمایش خیمه شب بازی اغلب در قهوهخانه ها و ده

است زیرا در قدیم که تالار نمایش عمومی نبوده قهوهخانه‌ها محل نمایش شده بازان و تقالان و خیمه شب بازان و حتی نمایشات «دروی خوش» بوده است و همه روز و عده کثیری برای استفاده از برنامه‌های شیرین این گروه در قهوه خانه‌های بزرگ و معتبر شهر مجتمع میگرددند.

کارگردانان معروف این فن که از آنها نامی باقی مانده یکی «کمال معتمد شیرازی» بوده و دیگران تقی و رضا بوده‌اند که بساط رنگین و مریشی داشته‌اند. در حال حاضر «مشهدی حسین» که پیش از پنجاه سال است دست بکار این فن میباشد بساط منظم و مریشی دارد «خیمه» و عروسکهای اوجال و دیدنی هستند.

خیمه شب بازان ایرانی بیشتر از فلکورا استفاده میکنند و موسیقی آنها عبارت از «ضرب» میباشد که همراه با آوازهای عامیانه و محلی اجرا میگردد. **اعین فن المهر**



عروسک ایرانی